

تحلیل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانی انحرافات اجتماعی در ایران

مهدی عامری^۱، علی عبدالمطلبی^۲

^۱ استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

^۲ کارشناس علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

نام نویسنده مسئول:

مهدی عامری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۹

چکیده

این مقاله با روش اسنادی-تحلیلی و با تکیه بر منابع تحقیق حاضر، انحرافات اجتماعی در ایران را نه به عنوان پدیده‌ای صرفاً فردی، بلکه به مثابه برآیند رابطه متقابل اقتصاد، ساخت اجتماعی، فرهنگ و روان بررسی می‌کند. مسئله اصلی پژوهش این است که چگونه فشارهای معیشتی، ضعف پیوندهای خانوادگی و اجتماعی، بحران هویت و فشارهای روانی می‌توانند زمینه رفتارهای انحرافی مانند مصرف مواد، خشونت، سرقت، رفتارهای پرخطر و قانون‌گریزی را تقویت کنند و در مقابل، خود انحرافات اجتماعی چگونه به بازتولید فقر، بی‌اعتمادی، انگ اجتماعی و اختلال در سلامت روان منجر می‌شوند. یافته‌های تحلیلی نشان می‌دهد که رابطه میان عامل‌ها خطی و یک‌سویه نیست؛ برای نمونه، بیکاری و تورم از طریق احساس محرومیت و کاهش امید اجتماعی، احتمال رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهند، اما گسترش همین رفتارها نیز هزینه‌های درمان، کنترل اجتماعی و بی‌اعتمادی اقتصادی را بالا می‌برد. در سطح اجتماعی، خانواده و مسئولیت‌پذیری نقش حفاظتی دارند؛ در سطح فرهنگی، هویت ملی، مذهبی و جنسیتی می‌تواند عامل انسجام یا تعارض باشد؛ و در سطح روانی، اضطراب، افسردگی، تکانشگری و انگ اجتماعی در چرخه انحراف اثرگذارند. مقاله در پایان، بر راهبردهای پیشگیری چندسطحی، تقویت سرمایه اجتماعی، مهارت‌های زندگی و مداخله زود هنگام تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: انحرافات اجتماعی، ایران، فقر، رفتارهای پرخطر، هویت، سلامت روان.

مقدمه

انحراف اجتماعی در جامعه‌شناسی به رفتاری گفته می‌شود که از هنجارهای پذیرفته‌شده یک جامعه فاصله می‌گیرد و با واکنش رسمی یا غیررسمی روبه‌رو می‌شود. با این حال، مرز میان «هنجار» و «انحراف» همیشه ثابت نیست و در بستر زمان، فرهنگ، طبقه اجتماعی، جنسیت، شهرنشینی و رسانه تغییر می‌کند. از این رو، تحلیل انحرافات اجتماعی در ایران نیازمند رویکردی چندبعدی است که هم شرایط عینی زندگی مردم را ببیند و هم تجربه ذهنی، هویتی و روانی کنشگران را در نظر بگیرد. در سال‌های اخیر، فشارهای اقتصادی، تغییرات شتابان سبک زندگی، گسترش شبکه‌های مجازی، افزایش فاصله نسلی، تضعیف برخی پیوندهای حمایتی و دسترسی نابرابر به فرصت‌های آموزشی و شغلی، زمینه‌های تازه‌ای برای شکل‌گیری یا آشکار شدن رفتارهای انحرافی ایجاد کرده است. گزارش‌های رسمی منتشرشده درباره تورم سالانه ۱۴۰۳ و بیکاری جوانان نشان می‌دهد که بخشی از جامعه، به‌ویژه جوانان، با نااطمینانی اقتصادی و فشار معیشتی جدی مواجه‌اند [۵]، [۶]. این فشارها به تنهایی علت قطعی انحراف نیستند، اما می‌توانند در کنار ضعف حمایت خانوادگی، بحران هویت و مشکلات سلامت روان، احتمال گرایش به رفتارهای پرخطر را افزایش دهند.

منابع آموزشی مورد استفاده در این مقاله، هر کدام یکی از حلقه‌های این زنجیره را روشن می‌کنند: پژوهش درباره مسئولیت‌پذیری و تربیت فرزندان، نقش خانواده و اجتماعی‌شدن را برجسته می‌سازد [۱]؛ پژوهش مربوط به رفتارهای پرخطر دانشجویان، خطرپذیری و سبک زندگی جوانان را نشان می‌دهد [۲]؛ جزوه تکوین هویت، جایگاه بحران هویت و ابعاد ملی، مذهبی و جنسیتی را توضیح می‌دهد [۳]؛ و متن مربوط به درون‌گرایی و برون‌گرایی با جرائم اجتماعی، پیوند میان شخصیت، هیجان و رفتار مجرمانه را به بحث می‌گذارد [۴]. هدف این مقاله، ترکیب این محورها در یک چارچوب تحلیلی منسجم است.

چارچوب نظری

برای فهم انحرافات اجتماعی می‌توان از چند نظریه مکمل استفاده کرد. نظریه فشار و آنومی مرتن توضیح می‌دهد که وقتی اهداف فرهنگی مانند موفقیت اقتصادی و منزلت اجتماعی تبلیغ می‌شوند اما ابزارهای مشروع برای دستیابی به آن‌ها به صورت برابر در دسترس نیست، بخشی از افراد ممکن است به مسیرهای نامشروع یا پرخطر روی آورند. نظریه کنترل اجتماعی هیرشی بر این نکته تأکید می‌کند که پیوندهای عاطفی، تعهد به اهداف مشروع، مشارکت در فعالیت‌های سازنده و باور به قواعد اجتماعی، نقش بازدارنده دارند. نظریه یادگیری اجتماعی و معاشرت افتراقی نیز یادآور می‌شود که رفتار انحرافی در شبکه‌های دوستی، محله خانواده یا فضای مجازی آموخته و عادی‌سازی می‌شود. در کنار این‌ها، نظریه برجسب‌زنی نشان می‌دهد که واکنش جامعه به فرد منحرف می‌تواند او را به سمت هویت انحرافی پایدار سوق دهد.

بر اساس این چارچوب، انحراف اجتماعی نه یک امر تک‌عاملی و نه یک بیماری فردی ساده است. فشار اقتصادی، شکست اجتماعی، تعارض فرهنگی و آسیب روانی در یک چرخه بازخوردی به هم وصل می‌شوند. برای مثال، بیکاری می‌تواند عزت نفس را کاهش دهد؛ کاهش عزت نفس می‌تواند فرد را به گروه‌های جبرانی یا رفتارهای پرخطر نزدیک کند؛ رفتار پرخطر نیز می‌تواند سابقه کیفری، طرد خانوادگی یا افت تحصیلی ایجاد کند و همین امور دوباره فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی فرد را محدودتر می‌سازند، بنابراین تحلیل دو سویه به جای پرسیدن «کدام عامل علت اصلی است؟» می‌پرسد «کدام عامل‌ها هم‌زمان یکدیگر را تقویت یا تضعیف می‌کنند؟»

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر، اسنادی-تحلیلی و از نوع مرور روایی منابع است. داده‌های اصلی از چهار کتاب دریافت و استخراج شده و با منابع فارسی و بین‌المللی در دسترس تکمیل شده است. واحد تحلیل، «رابطه میان عامل‌ها» است؛ یعنی برای هر منبع، دو سوی رابطه بررسی می‌شود: از یک سو اینکه آن عامل چگونه زمینه انحراف را می‌سازد و از سوی دیگر اینکه انحراف اجتماعی چگونه همان عامل را بازتولید یا تشدید می‌کند.

یافته‌ها: تحلیل رابطه دو سویه عامل‌ها

۱. محور اقتصادی: فقر، تورم، بیکاری و اقتصاد غیررسمی

در سطح اقتصادی، فقر و نابرابری از مهم‌ترین زمینه‌های انحراف اجتماعی هستند، اما رابطه آن‌ها مکانیکی و قطعی نیست. بسیاری از افراد فقیر هرگز وارد رفتار مجرمانه نمی‌شوند و بسیاری از انحرافات نیز در طبقات متوسط و بالا رخ می‌دهد. با این حال، فقر وقتی با احساس بی‌عدالتی، نبود فرصت، بی‌ثباتی شغلی و فشار هزینه‌های زندگی همراه می‌شود، می‌تواند «محرومیت نسبی» و «فشار نقش» ایجاد کند. فرد یا خانواده‌ای که ابزار مشروع کافی برای تأمین نیازهای اولیه ندارد، بیش از دیگران در معرض اقتصاد غیر رسمی، قرض‌های پرخطر، کار کودکان، سرقت خرد، مصرف یا توزیع مواد و خشونت خانگی قرار می‌گیرد. [۹]

سوی دیگر رابطه آن است که انحرافات اجتماعی نیز هزینه اقتصادی تولید می‌کنند. اعتیاد نیروی کار را فرسوده می‌کند؛ خشونت و جرم هزینه درمان، پلیس، دادگاه و زندان را افزایش می‌دهد؛ سابقه کیفری دسترسی به اشتغال رسمی را محدود می‌سازد؛ و بی‌اعتمادی اجتماعی هزینه معامله و سرمایه‌گذاری را بالا می‌برد. بنابراین سیاست اقتصادی صرفاً با ایجاد شغل پایان نمی‌یابد؛ باید پیوندی با حمایت اجتماعی، سلامت روان، آموزش مهارت و بازگشت اجتماعی افراد آسیب‌دیده داشته باشد.

۲. محور اجتماعی: خانواده، مسئولیت‌پذیری و پیوندهای حمایتی

بررسی و تحلیل اطلاعات حاصل از منبع [۱] رابطه مسئولیت‌پذیری و ترتیب تولد، نشان می‌دهد اگرچه تفاوت معناداری میان فرزندان اول، وسط و آخر گزارش نمی‌کند، اما یک نکته مهم برای تحلیل اجتماعی دارد: مسئولیت‌پذیری بیش از آنکه تنها تابع جایگاه تولد باشد، به سبک تربیتی، فضای عاطفی خانواده و فرصت تمرین نقش‌های اجتماعی وابسته است [۱]، در همان منبع اشاره به ترس‌آفرینی، محدود کردن رفتار کودک، تذکرات پی‌درپی و خشونت به عنوان عواملی که مانع مسئولیت‌پذیری می‌شوند برای بحث انحرافات اجتماعی بسیار مهم است. کودکی که فرصت تصمیم‌گیری، خطا، اصلاح و گفت‌وگو ندارد، ممکن است در نوجوانی و جوانی یا منفعل و وابسته شود یا از طریق رفتارهای پرخطر استقلال خود را نشان دهد.

رابطه دو سویه در این محور چنین است: خانواده منسجم، گفت‌وگو محور و حمایتگر، احتمال مسئولیت‌پذیری و خودکنترلی را افزایش می‌دهد؛ اما وقوع انحراف در یکی از اعضا، مثل اعتیاد، خشونت یا جرم، خود می‌تواند انسجام خانواده را از بین ببرد و الگوی منفی برای اعضای دیگر ایجاد کند. از این رو، خانواده هم «عامل پیشگیری» است و هم «میدان آسیب‌پذیر» هر قدر شبکه‌های حمایتی مدرسه، محله، دانشگاه و نهادهای مدنی ضعیف‌تر باشند، بار پیشگیری بر دوش خانواده سنگین‌تر می‌شود و خانواده‌های محروم بیش از دیگران فرسوده می‌شوند.

۳. محور فرهنگی: هویت، ارزش‌ها و تعارض سبک‌های زندگی

با تکیه بر تعاریف هویت در نظریه‌های رشد، نشان می‌دهد که هویت مجموعه‌ای از پاسخ‌های فرد به پرسش‌هایی درباره «من کیستم»، «به کجا تعلق دارم و چه آینده‌ای برای خود می‌خواهم» است [۳]، این منبع، ابعاد هویت ملی، مذهبی و جنسی را نیز مطرح می‌کند. برای تحلیل انحرافات اجتماعی، بحران هویت اهمیت محوری دارد؛ زیرا فردی که میان ارزش‌های خانوادگی رسانه‌ای، دینی، ملی، جنسیتی و مصرفی گرفتار تعارض می‌شود، ممکن است برای کسب معنا و پذیرش به گروه‌های غیررسمی، رفتارهای نمایشی یا هنجارشکنی پناه ببرد.

در جامعه در حال تغییر، فرهنگ همیشه نقش محافظ ندارد؛ گاهی خود به میدان تعارض تبدیل می‌شود. فاصله میان ارزش‌های رسمی و تجربه زیسته جوانان، تضاد میان سنت و مدرنیته، تبعیض جنسیتی، مصرف‌گرایی و مقایسه دائمی در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند احساس بی‌ریشگی یا ناکامی ایجاد کند. اما سوی دیگر رابطه نیز مهم است: گسترش انحرافات اجتماعی، اعتماد فرهنگی را کاهش می‌دهد، انگ و بدبینی میان نسل‌ها را افزایش می‌دهد و گفت‌وگوی فرهنگی را دشوارتر می‌کند. به این ترتیب، بحران هویت می‌تواند انحراف تولید کند و انحراف نیز بحران هویت را عمیق‌تر سازد.

۴. محور روانی: سلامت روان، هیجان و شخصیت

در این محور ماموضوع رابطه درون گرایی و برون گرایی با جرائم اجتماعی را با چارچوب های شخصیت شناختی برای توضیح تفاوت های رفتاری بکار میگیریم [۴]، تحلیل جامعه شناختی نباید شخصیت را به صورت جبری و سرنوشت ساز فهمید؛ هیچ ویژگی شخصیتی به تنهایی جرم یا انحراف تولید نمی کند. اما برخی ویژگی ها مانند تکانشگری، هیجان طلبی، اضطراب شدید، افسردگی، احساس بی ارزشی یا دشواری در تنظیم خشم می توانند در شرایط اجتماعی نامساعد، احتمال رفتارهای پرخطر را بالا ببرند. پیمایش های ملی سلامت روان در ایران نشان داده اند که اختلالات روان پزشکی در بخش قابل توجهی از جمعیت دیده می شود و برخی گروه های اقتصادی-اجتماعی پایین تر، آسیب پذیری بیشتری دارند [۸، ۱۱]، این موضوع با انحرافات اجتماعی رابطه ای دو سویه دارد: فشارهای اقتصادی و اجتماعی می توانند سلامت روان را تضعیف کنند؛ سلامت روان تضعیف شده می تواند خودکنترلی و تصمیم گیری را مختل کند؛ و تجربه انحراف، مجازات، طرد یا انگ اجتماعی می تواند دوباره افسردگی، اضطراب و انزوا را افزایش دهد. بنابراین سیاست کیفری بدون خدمات روانی و اجتماعی، چرخه آسیب را کامل نمی شکند.

جداول تحلیل

جدول ۱- رابطه دو سویه منابع آموزشی با محورهای انحرافات اجتماعی

منابع	عامل اصلی	اثر عامل بر انحراف اجتماعی	اثر انحراف بر عامل
[۱، ۳]	خانواده و مسئولیت پذیری	سبک تربیتی سختگیرانه، ترس آفرین یا فاقد فرصت تصمیم گیری می تواند خودکنترلی و مسئولیت پذیری را تضعیف کند.	رفتار انحرافی فرزند می تواند اعتماد خانوادگی، اقتدار والدین و سرمایه عاطفی خانواده را فرسوده سازد.
[۲، ۴]	رفتار پرخطر دانشجویان	فشار گروه همسالان، سبک زندگی دانشجویی و عادی سازی خطر احتمال مصرف مواد و رفتارهای پرخطر را افزایش می دهد.	رفتار پرخطر، افت تحصیلی، انگ اجتماعی و دوری از شبکه های سالم را بیشتر می کند.
[۳، ۵]	هویت ملی، مذهبی، جنسی و اجتماعی	ابهام یا بحران هویت می تواند فرد را به گروه های جایگزین، هنجارشکنی یا رفتار نمایشی سوق دهد.	برجسب خوردن و طرد اجتماعی، بحران هویت و احساس بیگانگی را تشدید می کند.
[۴، ۶]	شخصیت و هیجان	تکانشگری، اضطراب یا ناتوانی در تنظیم هیجان در شرایط اجتماعی نامساعد می تواند رفتار مجرمانه را تسهیل کند.	تجربه جرم، مجازات یا انگ، سلامت روان و تصویر فرد از خود را تضعیف می کند.

جدول ۲- جمع بندی چهار محور تحلیل انحرافات اجتماعی در ایران

محور	سازوکار خطر	سازوکار بازتولید	راهبرد پیشنهادی
اقتصادی	فقر، بیکاری، تورم، نابرابری فرصت	هزینه درمان، کنترل زندان، کاهش سرمایه انسانی	اشتغال جوانان، حمایت اجتماعی، مهارت آموزی و بازگشت به کار
اجتماعی	ضعف خانواده، افت اعتماد، کاهش نظارت مدرسه و محله	طرد، فروپاشی پیوندها، انتقال الگوهای ناسالم	آموزش خانواده، شبکه حمایتی محلی، فعالیت داوطلبانه
فرهنگی	بحران هویت، تعارض ارزش ها، مصرف گرایی و انگ	بی اعتمادی نسلی، هویت انحرافی، قطبی شدن فرهنگی	گفت و گوی بین نسلی، سواد رسانه ای، هویت چندبعدی
روانی	اضطراب، افسردگی، هیجان طلبی، تکانشگری	انگ درمان، انزوا، بازگشت به رفتار پرخطر	غربالگری، مشاوره ارزان، کاهش انگ و مداخله زودهنگام

بحث

ترکیب چهار محور نشان می‌دهد که انحرافات اجتماعی در ایران را باید به شکل «چرخه‌های هم‌افزا» فهمید. چرخه نخست، چرخه فشار اقتصادی است: تورم و بیکاری، اضطراب معیشتی می‌آفرینند؛ اضطراب معیشتی، تعارض خانوادگی و کاهش امید اجتماعی را تشدید می‌کند؛ و این وضعیت، زمینه رفتارهایی مثل خشونت، مصرف مواد یا اقتصاد غیررسمی را افزایش می‌دهد. چرخه دوم چرخه هویت و فرهنگ است: تعارض ارزش‌ها و ضعف گفت‌وگوی نسلی، بحران هویت می‌آورد؛ بحران هویت، رفتارهای نمایشی یا پرخطر را جذاب‌تر می‌کند؛ و واکنش انگ‌آمیز جامعه، فاصله فرد با هویت جمعی را بیشتر می‌کند.

چرخه سوم، چرخه روانی-اجتماعی است: فرد آسیب‌دیده وقتی به جای حمایت، با برچسب و طرد روبه‌رو شود، احتمال بازگشت او به مسیر مشروع کاهش می‌یابد. از این رو، پیشگیری مؤثر باید چندسطحی باشد. در سطح اقتصادی، سیاست‌های اشتغال جوانان، کاهش فقر و حمایت از خانواده‌های آسیب‌پذیر ضروری است. در سطح اجتماعی، آموزش مهارت‌های زندگی، مهارت حل تعارض و فرزندپروری باید تقویت شود. در سطح فرهنگی، گفت‌وگوی بین‌نسلی، سواد رسانه‌ای و هویت چندبعدی می‌تواند از تعارض‌های هویتی بکاهد. در سطح روانی نیز غربالگری، مشاوره کم‌هزینه و کاهش انگ درمان روان‌شناختی ضرورت دارد.

نتیجه‌گیری

نتیجه اصلی مقاله این است که انحرافات اجتماعی در ایران پدیده‌ای چندعلتی و رابطه‌ای است. اقتصاد، اجتماع، فرهنگ و روان در کنار هم عمل می‌کنند و هیچ‌کدام به تنهایی توضیح کامل ارائه نمی‌دهند. فقر، بیکاری و تورم می‌توانند فشار ایجاد کنند؛ اما این فشار وقتی به انحراف تبدیل می‌شود که پیوندهای اجتماعی ضعیف، هویت متزلزل و سلامت روان آسیب‌دیده نیز وجود داشته باشد. در مقابل، گسترش انحرافات اجتماعی خود موجب افزایش هزینه اقتصادی، فرسایش خانواده، بحران اعتماد فرهنگی و آسیب روانی می‌شود.

بر این اساس، راهکار اصلی، جابه‌جایی نگاه از «کنترل صرف» به «پیشگیری اجتماعی و بازتوانی» است. سیاست‌های اجتماعی باید به جای تمرکز منفرد بر مجازات، بر کاهش فشارهای ساختاری، تقویت مسئولیت‌پذیری، ترمیم سرمایه اجتماعی، آموزش مهارت‌های زندگی و دسترسی عادلانه به خدمات سلامت روان تأکید کنند. چنین رویکردی نه فقط از نظر انسانی، بلکه از نظر اقتصادی نیز کم‌هزینه‌تر و پایدارتر است.

منابع و مراجع

- ۱) اسماعیلی، ع. ۱۳۸۸ «بررسی رابطه مسئولیت پذیری با تربیت فرزندان اول، وسط و آخر»، گزارش، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز
- ۲) احمدی، ع. ۱۳۸۸-۱۳۸۹ «بررسی میزان رفتارهای پرخطر بین دانشجویان رشته‌های هنر و سایر رشته‌های دانشگاهی»، گزارش، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی
- ۳) وکیل قائمانی، ف. ۱۳۸۸-۱۳۸۹ «تکوین انواع هویت در سنین مختلف» گزارش، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز
- ۴) وزیر، ز. ۱۳۸۸-۱۳۸۹ «رابطه درون گرایی و برون گرایی با جرائم اجتماعی» گزارش، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز ایسنا. ۱۴۰۴ «تورم مصرف کننده - به نقل از مرکز آمار ایران»
- ۵) شبکه اخبار اقتصادی و دارایی ایران، شادا. ۱۴۰۳ «نرخ بیکاری - به نقل از مرکز آمار ایران»
- 6) United Nations Office on Drugs and Crime. (2024). "World Drug Report 2024." Vienna: UNODC.
- 7) Sharifi, V., Amin-Esmaili, M., Hajebi, A., et al. (2015). "Twelve-month prevalence and correlates of psychiatric disorders in Iran: The Iranian Mental Health Survey, 2011." Archives of Iranian Medicine. Vol. 18, No. 2, pp. 76-84.
- ۸) پایگاه علوم انسانی، بی تا. «فقر و انحرافات اجتماعی - بانک مقالات علوم انسانی»
- ۹) احمدی، ح. و همکاران. ۱۳۹۴ «بررسی رابطه مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر جوانان»، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دانشگاه اصفهان
- ۱۰) موسسه ملی تحقیقات سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران. ۱۴۰۴. «وضعیت شیوع اختلالات روان‌پزشکی در ایران بر اساس پیمایش ملی سلامت روان در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۴۰۰»